

زیجر

دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی

سال هشتم / شماره اول / پیاپی ۱۴ / بهار - تابستان ۱۴۰۱

وجود رابط و مستقل از دیدگاه علامه طباطبایی،

استاد مصباح یزدی و استاد جوادی آملی^۱

رسول آقائی آلانق^۲

محمود دزفولی نسب^۳

چکیده

وجود رابط و قسیم آن، مستقل، از جمله مسائل و محمولات فلسفه است که در حکمت متعالیه، هم در حوزه قضایا و هم در عالم اعیان در باب آن بحث و بررسی شده است. در عالم قضایا، وجود رابط، که حقیقت آن رابط و در غیر بودن است، اگر همان نسبت حکمیه باشد، به عنوان جزئی از هل مرکبه موجب ضرورت دارد، اما اگر همان نسبت حکمیه نباشد، از لوازم قضیه خواهد بود که به تبع تصدیق و حکم، در ذهن نقش می‌بندد. در عالم اعیان، کلیه ممکنات، اعم از جواهر و اعراض وجودات، رابط‌اند و تنها حق تعالی است که مستقل لحاظ شده است. این مطلب اثر شگرفی بر دیگر مسائل فلسفی بر جای گذاشته و بررسی آن براساس نظریه علامه طباطبایی موضوع این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: وجود رابط، وجود محمولی، هلیات بسیطه، هلیات مرکبه، اشتراک لفظی، اشتراک معنوی، علامه طباطبایی، مصباح یزدی، جوادی آملی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۰؛ کد doi: 20.1001.1.24764302.1401.8.1.12.5

۲. دانش‌پژوه سطح سه حوزه علمیه (r.a.8854234@gmail.com)

۳. دانش‌پژوه سطح سه حوزه علمیه (dezfoolimahmood15@gmail.com)

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

بی‌تردید وجود رابط و قسیم آن (وجود مستقل)، از جمله مسائل و محمولات فلسفه است که در حکمت متعالیه، هم در حوزه قضایا و هم در عالم اعیان، در مورد آن‌ها بحث و بررسی شده است. وجود رابط که حقیقت آن رابط و در غیر بودن است، در عالم قضایا در صورتی که همان نسبت حکمیه باشد، به‌عنوان جزئی از هل مرکبه موجهه ضرورت دارد، اما اگر همان نسبت حکمیه نباشد، از لوازم قضیه خواهد بود که به تبع تصدیق و حکم در ذهن نقش می‌بندد. در عالم اعیان، کلیه ممکنات اعم از جواهر و اعراض و جودات، رابط را تشکیل می‌دهند و فقط حق تعالی است که مستقل لحاظ شده است.

در میان فلاسفه اسلامی، به‌خصوص علامه طباطبایی و شاگرد ایشان آیت‌الله مصباح، در رابطه با حقیقت وجود رابط و همچنین تأثیرات آن بر سایر مسائل فلسفی اختلاف‌نظری اساسی وجود دارد. بررسی دقیق این مطلب در فهم بهتر دیگر مسائل فلسفی اثر شگرفی خواهد داشت. تحقیق حاضر درصدد تحلیل وجود رابط و مستقل، از منظر علامه طباطبایی، آیت‌الله مصباح و آیت‌الله جوادی آملی (دام‌ظله) است.

۱-۲. ضرورت بحث

بحث انقسام وجود به رابط و مستقل، از جمله مسائل فلسفی است که فلاسفه بسیاری پیرامون آن مطالعه و تحقیق نموده‌اند. در این میان، حکیم صدرایی، معاصر علامه طباطبایی، به این مسئله توجه ویژه نموده و براساس مبانی حکمت متعالیه تحلیلی عمیق از آن ارائه داده و زوایا، آثار و نتایج آن را در سایر مسائل فلسفی نیز بررسی کرده است. علامه طباطبایی این مسئله و آثار و نتایج آن را در یک کتاب خاص یا فصلی مستقل از یک کتاب واکاوی نکرده است، بلکه در آثار متعدد خود به مناسبت‌های گوناگون به آن پرداخته است. شاگردان و شارحان ایشان نظریه او را نقد و بررسی کرده‌اند و در مواردی با بیان اشکالاتی نظریه ایشان را دچار خلط دانسته و آثار و نتایج آن را تقلیل داده‌اند؛ لذا تحلیل و بررسی نظریه علامه طباطبایی درباره وجود رابط و آثار و نتایج آن به‌صورت منسجم و نیز درستی و نادرستی نقدهای شاگردان و شارحان ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۳. پیشینه بحث

بررسی پیشینه تاریخی این مبحث نقش ارزنده سایر حکما را در شکل‌گیری آن آشکار می‌سازد و میزان و ارزش بهره‌گیری صدرالمتألهین از آثار گذشتگان و استکمال آن‌ها را نشان می‌دهد. مراجعه به

آثار حکمای متقدم، اعم از مشایی و اشراقی و نیز مکتب عرفانی ابن عربی این نکته را نمایان می‌کند که بستر طرح نظریه وجود رابط و مستقل قبل از صدرالمتألهین فراهم شده است.

ارسطو ضمن بحث از «هلیه بسیطه و مرکبه» با تعابیر خاصی به نقش وجود محمولی و رابط در قضایا اشاره می‌کند. فارابی با تفکیک دو مقام «ذهن» و «خارج» درصدد توجیه دو دیدگاه اثبات و نفی محمولیت وجود برآمده و از این طریق میان وجود محمولی و رابط در قضیه تفاوت نهاده است. او «هوهویت» را ملاک اتحاد در وجود می‌داند و با وجودی دانستن رابط در قضیه «زید هو کاتب» به اثبات وجود رابط می‌پردازد. معنای دیگر وجود رابط، یعنی تعلقی بودن موجودات امکانی نسبت به ذات واجب، نیز در کلمات فارابی دیده می‌شود؛ زیرا او با تعلقی دانستن موجودات ممکن مناسب میان آن‌ها و ذات حق را نفی می‌کند.

ابن سینا ضمن تأیید سخنان فارابی به مفاد «امکان فقری» یا وجودی نیز اشاره کرده است. صدرالمتألهین در بحث امکان فقری به شدت متأثر از اوست. همچنین شیخ اشراق تقسیماتی براساس نور ارائه کرده که حکمای متأخر همان‌ها را در وجود به کار گرفته‌اند و آن‌ها را به فی‌نفسه (مستقل) و فی‌غیره (رابط) و سایر شاخه‌ها تقسیم کرده‌اند. سهروردی در جای دیگر مطابق بیان شیخ‌الرئیس معنای فقیر و غنی مطلق را توضیح می‌دهد و از این طریق به اثبات یگانگی خدا نیز دست می‌یابد.

۱-۴. اهداف بحث

وجود رابط و قسیم آن (وجود مستقل) از جمله مسائل و محمولات فلسفه است و فلاسفه بسیاری پیرامون آن‌ها مطالعه و تحقیق نموده‌اند، اما تکمله مباحث آنان تأثیرات این بحث بر سایر مسائل فلسفی است که به آن پرداخته نشده است. هدف اصلی ما در این تحقیق تحلیل وجود رابط در اندیشه علامه طباطبایی، آیت‌الله مصباح و آیت‌الله جوادی آملی (دام‌ظله) و بررسی تأثیرات این بحث بر سایر مباحث فلسفی است.

۲. واژه‌شناسی

۲-۱. وجود فی‌نفسه

وقتی وجود را در نظر می‌گیریم، می‌توانیم در ذهن آن را به صورت مستقل لحاظ کنیم. به وجودی که می‌توان آن را به این نحو، یعنی به صورت مستقل و بدون نیاز به تصور چیز دیگر تصور کرد، وجود «فی‌نفسه» می‌گویند. به عبارت دیگر، وجود فی‌نفسه وجودی است که «له معنی مستقلاً بالمفهومیه»؛ یعنی معنای مستقل مفهومی دارد. به وجود فی‌نفسه وجود محمولی نیز گفته می‌شود و دلیل نام‌گذاری آن به وجود محمولی هم این است که می‌تواند «محمول» قضایا واقع شود و لذا به آن وجود محمولی نیز گفته می‌شود.

۲-۲. وجود فی غیره

در مقابل وجود فی نفسه، وجود فی غیره یا وجود رابط قرار دارد که نمی‌توان آن را به صورت مستقل تصور کرد، بلکه باید در ضمن چیزی دیگری و به کمک چیز دیگری آن را تصور کرد و اگر آن چیز دیگر وجود نداشته باشد، تصور آن امکان‌پذیر نیست یا به عبارت دیگر، معنی مستقل مفهومی ندارد. توجه به این نکته لازم است که وجود رابط از سنخ معانی حرفیه است.

۳. مترادف بودن وجود رابط و محمولی

وقتی عبارات علامه طباطبایی را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم ایشان قائل‌اند که وجود محمولی و مستقل هر دو یک معنا دارند. ایشان در بدائة الحکمه می‌فرمایند: «... و هو الذی له معنی مستقل بالمفهومیه نسبتیه «الوجود المحمولی» و «الوجود المحمولی»^۱ (طباطبایی، ۱۴۲۰ق: ۵۰). پس علامه طباطبایی وجود رابط و محمولی را ذهنی نمی‌داند و وجود رابط را حقیقتی خارجی می‌داند که بین موضوع و محمول پیوند برقرار می‌کند.

در مقابل نظر علامه طباطبایی، نظر آیت‌الله مصباح است. ایشان برخلاف علامه طباطبایی وجود محمولی و مستقل را یکی نمی‌داند و معتقدند ما مفهوم ذهنی وجود را به رابط و محمولی تقسیم می‌کنیم و این دو، تقسیم مفهوم ذهنی وجود است و چیزی که در خارج محقق می‌شود، وجود مستقل است و ما در خارج وجود محمولی نداریم:

به عقیده حکما برای لفظ وجود در ذهن انسان، دو معنا و مفهوم وجود دارد که یکی از آن‌ها مفهوم اسمی و مستقل است و دیگری حرفی و غیرمستقل. مقصود از وجود محمولی همان مفهوم اسمی و مستقل وجود است و مقصود از وجود رابط (در مقابل وجود محمولی، نه در مقابل وجود مستقل) همان مفهوم حرفی و غیرمستقل است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲۳۳/۱).

۴. تعابیر متعدد از وجود رابط و محمولی

قضایایی که محمولشان وجود محمولی است به «هلیات بسیطه» مشهورند و سایر قضایا به «هلیات مرکبه». وجود محمولی همان مفهومی است که در ادبیات عرب با لفظ «کان تامه» و در ادبیات فارسی با لفظ «هست» از آن تعبیر می‌کنند و وجود رابط همان مفهومی است که در ادبیات عرب با لفظ «کان ناقصه» و در ادبیات فارسی با لفظ «است» بر آن دلالت می‌شود. در عرف حکما از وجود محمولی با تعبیر «وجود، ثبوت، وجود مطلق، وجود فی نفسه» و گاهی

۱. وجودهای دیگر را که معانی آن‌ها مفاهیم مستقلی دارند، وجود محمولی و وجود مستقل می‌نامیم.

«وجود الشیء، ثبوت الشیء» یاد می‌کنند و از وجود رابط با تعبیر «وجود مقید، وجود فی غیره، وجود لافی نفسه، وجود شیء لشیء و ثبوت الشیء لشیء».

۵. تفاوت معنای وجود رابط و نسبت هوهویت

آیت‌الله جوادی آملی در کتاب رحیق مختوم ذیل توضیح اصطلاح وجود رابط می‌فرماید:

باید توجه داشت که این معنای از وجود رابط غیر از نسبت هوهویت و اتحادی بین قضایا و نسبت حکمیه است. نسبت هوهویت که در همه قضایای بسیطه و مرکبه هست با عنوان «نسبت اتحادیه» از آن یاد می‌شود و نسبت حکمیه امری است که در قضایای مشکوکه از حکم ممتاز می‌شود. علامه طباطبایی برخلاف دیگران معتقد است که نسبت حکمیه، تنها در قضایای نظری که محل تردید و تأمل است، تحقق پیدا می‌کند و در قضایای بدیهی وجود ندارد. هوهویت و نسبت حکمیه و حتی حکم، اموری‌اند که در موطن «ذهن» محقق می‌شوند، ولیکن وجود رابط، حقیقتی خارجی است که پیوند بین موضوع و محمول برقرار کرده و وجودی جدای از آن‌ها، یعنی بیرون از آن دو، ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۲۱/۱).

از بررسی عبارات جوادی آملی در می‌یابیم که ایشان هم مانند علامه طباطبایی، وجود رابط و محمولی را ذهنی نمی‌دانند؛ بلکه وجود رابط و محمولی را خارجی می‌دانند و نظری برخلاف نظر آقای مصباح دارند.

۶. اصطلاحات وجود رابط

آیت‌الله مصباح در کتاب شرح نهاییه در رابطه با اصطلاحات وجود رابط می‌فرماید وجود رابط در سه اصطلاح به کار می‌رود:

- وجود رابط به معنای وجود خارجی عین الربط به وجود دیگر: صدرالمتألهین وجود رابط را برای این معنا وضع کرد و از آن پس رایج شد. به چنین وجودی، وجود فقری نیز می‌گویند و در اینجا به آن وجود فی غیره هم گفته شده است.

- وجود رابط به معنای مفهوم حرفی وجود: وجود رابط به این معنا مفهومی است عین الربط به مفهوم موضوع و محمول (در قضیه) یا به مفهوم مضاف و مضاف‌الیه (در مرکب تقيیدی). به وجود رابط به این معنا کان ناقصه، ثبوتی لشیء، وجود مقید، نسبت حکمیه، وجود فی غیره و وجود لافی نفسه نیز گفته می‌شود.

- وجود رابط به معنای وجود خارجی مستقل ناعت: وجود رابط به این معنا، حال در وجود دیگر و ناعت آن است. البته این تعبیر نارساست. دقیق‌تر این است که وجود مستقلی است که اضافه و ارتباط به غیر دارد و این اضافه و ارتباط به غیر عین همین وجود مستقل است و به زبان فلسفی وجود فی نفسه

است که عین وجود للغیر است، مانند وجود عرض، وجود صورت. این معنا برای وجود رابط قبل از میرداماد رایج بوده ولی او برای جلوگیری از اشتباه شدن آن با معنای دوم، برای این اصطلاح وجود رابطی را وضع کرده است و صدرا نیز آن را پذیرفته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲۳۴/۱).

۷. موطن تقسیم وجود به رابط و محمولی

در رابطه با اینکه این انقسام وجود به رابط و محمولی در چه ظرفی اتفاق می‌افتاد و آیا موطن آن ذهن است یا خارج، بین علامه طباطبایی و آیت‌الله مصباح، اختلافی وجود دارد. علامه طباطبایی معتقد است این انقسام در ظرف عین و خارج محقق می‌شود؛ یعنی موطن وجود رابط و محمولی خارج و عین است، در مقابل ایشان، آیت‌الله مصباح ظرف این انقسام را ظرف ذهن می‌داند؛ یعنی تقسیم وجود به رابط و محمولی را تقسیمی برای مفاهیم ذهنی به شمار می‌آورند.

مدعای علامه طباطبایی چه در بدائة الحکمه و چه در نهاية الحکمه، این است که این تقسیم یک تقسیم عینی و خارجی است، لکن عین و خارج مدنظر ایشان به معنای عین در مقابل ذهن نیست، بلکه اعم از ذهن و عین در مقابل ذهن است و لذا می‌توان ذهن را از مراتب عین به معنای عام دانست. این اصطلاح عین و خارج در مقابل وهمی و دروغ است. به تعبیر دیگر، علامه طباطبایی در واقع درصدد بیان این مطلب است که هر کجا دو واقعیت مستقل مرتبط داشته باشیم، یک امر سومی آن‌ها را به هم ربط می‌دهد و متصل می‌نماید. علامه طباطبایی نخواست به بحث را به قضیه منحصر کند. درست است که بیان ایشان بر قضیه سوار است، مراد و مقصود ایشان توقف و انحصار بحث در قضیه نیست. شاهد این مدعا در بدائة الحکمه این است که اولاً وقتی در فلسفه از وجود و موجود به صورت مطلق سخن گفته می‌شود، ظهور در حقیقت وجود دارد، نه مفهوم آن و اگر بخواهند از وجود ذهنی بحث کنند، قید ذهنی را می‌آورند؛ چنانکه آیت‌الله مصباح در کتاب شرح نهاییه نیز همین نکته را شاهد عینی بودن انقسام می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲۴۳/۱)؛ لذا تعبیر علامه طباطبایی به این معناست که ایشان انقسام را عینی می‌دانند؛ ثانیاً فرع سومی که علامه طباطبایی بیان کرده‌اند نشان می‌دهد که مقصود ایشان، انقسام خارجی وجود به فی‌نفسه و فی‌غیره است؛ ثالثاً ایشان در ابتدای عبارت خود در بدائة الحکمه بیان می‌کنند که «اذا اعتبرنا القضايا الصادقة...» (طباطبایی، ۱۴۲۰ ق: ۴۹)؛ یعنی بحث ایشان در قضایای صادقه است و بر همین اساس می‌توان گفت اگر مراد ایشان از وجود فی‌غیره و ربطی تنها وجود ربطی در قضیه و ذهن بود، نیازی نبود از قید «صادقه» استفاده کنند؛ چون هر قضیه‌ای چه صادقه و چه کاذبه، وجود رابط دارند؛ بنابراین استفاده از این قید نشان می‌دهد که علامه طباطبایی فقط بحث را در قضیه منحصر نکرده‌اند؛ چون حیث انطباق آن با خارج را نیز در بیان خود مدنظر قرار داده‌اند.

۸. دلیل علامه طباطبایی بر وجود رابط

قبل از بیان و بررسی دلیل علامه طباطبایی بر تحقق وجود رابط، باید این نکته را بیان کنیم که فلاسفه دلیل تحقق وجود محمولی را وجدانی می‌دانند و دلیل دیگری بیان نکرده‌اند. البته همان‌طور که بیان شد، آیت‌الله مصباح قائل است که در خارج فقط وجود مستقل داریم و وجود محمولی فقط در ذهن است. این تحقق وجود رابط در خارج است که محلّ اختلاف است.

علامه طباطبایی معتقد است در هر ظرفی (چه ذهن و چه در خارج) وجود رابط داریم: وقتی ما قضایای صادقه مانند «الانسان ضاحک» را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که سوای از موضوع و محمول، امری دیگر وجود دارد که بین موضوع و محمول ارتباط برقرار کرده است و این امر سوم فقط در صورتی تصور می‌شود که موضوع و محمول در قضیه لحاظ شوند و اگر موضوع یا محمول به تنهایی لحاظ گردند، این امر سوم وجود نخواهد داشت و اگر این امر سوم نباشد، هیچ‌گونه ارتباطی بین موضوع و محمول نمی‌توان تصور کرد؛ پس این امر سوم وجود دارد، اما وجود آن از موضوع و محمول مستقل نیست؛ چون اگر این‌طور نباشد و مستقل باشد، به تسلسل منجر می‌شود و تسلسل باطل است. بنابراین ما سوای وجود و محمول، امر سوم داریم که وجودی جدا و مستقل از موضوع و محمول ندارد و اگر این وجود نباشد، بین موضوع و محمول نمی‌توان ارتباطی لحاظ کرد. این وجود سوم، وجود رابط نام دارد (طباطبایی، ۱۴۲۰ق: ۴۹).

۹. نتایج علامه طباطبایی از دلیل بر وجود رابط

علامه طباطبایی بعد از بیان استدلال خویش بر تحقق وجود رابط، از مطالب بیان‌شده سه نتیجه می‌گیرد:

- وجودات رابط ماهیت ندارند؛ زیرا ماهیت همان ما یقال فی جواب ما هو است، پس ماهیت حتماً وجود محمولی است که معنای مستقل هم دارد و وجودات رابطه از این نوع نیستند و معنای مستقل ندارند.

- تحقق وجود رابط بین دو امر مستلزم اتحاد میان آن دو امر است؛ چون همان‌طور که بیان شد وجود رابط واقعی‌تری و رای موضوع و محمول خود نیست و به همین دلیل بین دو امر اتحاد برقرار می‌کند.
- رابط فقط در مطابق هلیات مرکبه محقق می‌شود که همان ثبوت شیء لشیء است و در هلیات بسیطه رابط نداریم؛ چون مفاد هلیات بسیطه ثبوت شیء است و معنا ندارد بین خود شیء ارتباط و نسبت فرض کرد (طباطبایی، ۱۴۲۰ق: ۵۰).

۱۰. اشکالات آیت‌الله مصباح به نتایج علامه طباطبایی

آیت‌الله مصباح به این نتیجه سوم علامه طباطبایی اشکال وارد می‌کند و معتقد است علامه در این

مورد بین احکام خارجی و احکام ذهنی خلط کرده است؛ یعنی به نظر علامه چون در خارج نمی‌توان برای هلیات بسیطه رابط فرض کرد، در ذهن هم در هلیات بسیطه ربط نداریم.

به بیان بهتر آیت‌الله مصباح اشکال گرفته است که چرا علامه طباطبایی احکام خارجی را به ذهن سرایت داده و حکمی را برای ذهن اثبات کرده است؟ چه اشکالی دارد که در خارج در مطابق هلیات بسیطه قائل به عدم وجود رابط باشیم، ولی در ظرف ذهن و قضیه قائل به وجود رابط باشیم؛ بنابراین به نظر آیت‌الله مصباح علامه بین خارج و ذهن خلط کرده است و در هلیات بسیطه هم ربط وجود دارد.

۱۱. اشکال آیت‌الله مصباح به استدلال علامه طباطبایی

آیت‌الله مصباح هم در آموزش فلسفه و هم در شرح نهایی به دو صورت به استدلال علامه اشکال وارد می‌کند:

... بلکه پا را فراتر نهاده، خواسته‌اند از راه چنین مفهومی وجود عینی رابط را نیز اثبات کنند. به این بیان که وقتی مثلاً می‌گوییم علی دانشمند است، واژه علی حکایت از شخص خاص می‌کند و در ازای واژه دانشمند هم دانش وی وجود دارد که آن هم در خارج موجود است؛ پس مفهوم رابط هم که با لفظ «است» نشان داده می‌شود، حکایت از نسبت خارجی بین دانش و علی می‌نماید، بنابراین در متن خارج هم نوعی وجود رابط وجود دارد، ولی اینجا هم بین مفاهیم و احکام منطقی با مفاهیم و احکام فلسفی خلط صورت گرفته است و احکام قضیه را که مربوط به مفاهیم ذهنی است به مصادیق خارجی سرایت داده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۷۳/۱).

مقصود آیت‌الله مصباح این است که علامه بین ذهن و خارج یا معقول ثانی منطقی و معقول ثانی فلسفی خلط کرده است؛ پس در خارج ربطی نداریم.

... اشکال این برهان در مقدمه سوم است و آن این بود که قضیه خارجی با تمام اجزایش منطبق بر خارج است؛ هم موضوع آن و هم نسبتش که مفهومی است حرفی و رابط، منطبق است بر وجود خارجی غیرمستقل و رابط. در این مقدمه چنین فرض شده است که ملاک انطباق قضیه بر خارج این است که تمام اجزای آن در خارج مطابقی خاص به خودشان داشته باشند، ولی چنین نیست. انطباق هر قضیه‌ای بر خارج مستلزم این نیست که هریک از آن اجزا اعم از موضوع و محمول و نسبت در خارج منطبق باشند، بلکه در خارجی بودن قضیه همان انطباق موضوع و محمول بر خارج و اتحاد آن‌ها در خارج کافی است. پس دلیل شما اعم از مدعاست (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲۴۴/۱).

در پاسخ به اشکال آیت‌الله مصباح باید گفت: اینکه شما به علامه نسبت خلط بین مفاهیم منطقی و فلسفی می‌دهید درست نیست. سخن شما این است که چون علامه از طریق قضایا وارد شده و از این طریق می‌خواهد تکلیف خارج را روشن کند، خلط انجام داده است، اما ما می‌گوییم که جناب علامه به قضیه هم

به صورت فلسفی نگریسته و معتقد است در هر طرفی، اعم از ذهن و خارج، هرگاه ما موضوع و محمولی داشتیم و خواستیم بین این دو رابطه و حملی برقرار کنیم، لاجرم باید وجود سومی به نام وجود رابط داشته باشیم. اگر بگویید پس چرا علامه از قضیه استفاده کرده است، قضیه که ذهنی است؟ می‌گوییم ذهن نیز از مراتب واقعیت خارجی است و این کار علامه هیچ اشکالی ندارد، بلکه ما می‌گوییم که جناب مصباح، حضرت عالی بین مفاهیم منطقی و فلسفی خلط کرده‌اید نه علامه طباطبایی.

۱۲. نحوه اشتراک مفهوم وجود رابط و مستقل

در رابطه با نحوه اشتراک مفهوم وجود رابط و مفهوم وجود محمولی بین فلاسفه اختلاف است. آیت‌الله مصباح و شهید مطهری مدعی «اشتراک لفظی» بین آن‌ها هستند، اما علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی به تبعیت از استادشان قائل به «اشتراک معنوی» هستند.

آیت‌الله مصباح در شرح نهاییه، ادعای خود را به صدرالمتألهین در اسفار نسبت می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲۳۳/۱) و به همین منظور مناسب است که ابتدا عبارت ملاصدرا را بخوانیم:

اطلاق الوجود الرباطی فی صناعاتهم یکون علی معنیین: أحدهما ما یقابل الوجود المحمولی و هو الوجود الشیء فی نفسه المستعمل فی مباحث المواد الثلاث و هو ما یقع رابطة فی الحملیات الايجابية واء النسبة الحکمیه الاتحادیه التي هی تكون فی جملة العقود و قد اختلفوا فی کونه غیر الوجود المحمولی بالنوع أم لا ثم تحققه فی الهلیات البسیطة أم لا و الحق هو الاول فی الاول و الثانی فی الثانی و الاتفاق النوعی فی طبیعة الوجود مطلقاً عندنا لاینافی التخالف النوعی فی معانیها الذاتیه و مفهومها الانتزاعیه كما سیتضح لک مزید ایضاح علی أن الحق أن الاتفاق بینهما فی مجرد اللفظ^۱ (صدرالدین شیرازی، ۱۴۴۰ق: ۳۴۰/۱).

آیت‌الله مصباح از این عبارت اسفار برای اثبات مدعای خود به دو شکل بهره می‌گیرد: یکی اینکه ملاصدرا وجود محمولی و وجود رابط را ذهنی و در عالم قضایا می‌داند و این از توجه به صدر عبارت ایشان کاملاً روشن است؛ یعنی وجود محمولی و وجود رابط را برای ذهن و وجود در ذهن اصطلاح می‌کند؛ کما اینکه در آموزش فلسفه (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۸۷/۱) و در شرح نهاییه (مصباح

۱. اصطلاح وجود رابطی در صنعت و اصطلاح این و آن به دو معنی است: نخست آنکه مقابل محمولی قرار می‌گیرد و آن وجود شیء است در نفس خویش، که این وجود در مباحث (واجب الوجود و ممکن الوجود و ممتنع الوجود) به کار گرفته می‌شود و آن چیزی است که رابطه را در حمل‌های ایجابی برقرار می‌کند که آن سوی نسبت حکمی اتحادی در تمام عقدهاست و در این که آن (وجود شیء در نفس خود) غیر وجود محمولی (به واسطه نوع) است یا نه و همین‌طور در هلیات بسیط تحقق و ثبوت دارد یا نه، اختلاف است و حقیقت این است که آن در اولی اول است و در دومی دوم و نزد ما مطلقاً، اتفاق نوعی در طبیعت وجود، منافی مخالف بودن نوعی در معانی ذاتی و مفهوم‌های انتزاعی آن نیست؛ چنانکه به‌زودی روشن خواهد شد که در حقیقت، اتفاق بین آن دو فقط در لفظ است.

یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲۴۸/۱) بخش اشتراک لفظی و معنوی وجود رابط و محمولی و همچنین در تعلیقه بر نه‌ایه (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۷۹) به این نکته اشاره کرده است و شاید دلیل اینکه خود آیت‌الله مصباح بین اصطلاح وجود محمولی و وجود مستقل فرق می‌گذارد از این باب باشد؛ برخلاف علامه طباطبایی که این دو اصطلاح را مترادف می‌داند. استفاده دیگری که ایشان در مانحن فیه دارد این است که به نظر ایشان می‌توان از این عبارت ملاصدرا (... علی أن الحق أن الاتفاق بینهما فی مجرد اللفظ) چنین برداشت کرد که ملاصدرا وجود را در وجود محمولی و وجود رابط که هر دو ذهنی اند، مشترک لفظی می‌داند.

۱۳. دلیل قائلان به اشتراک لفظی

کسانی که این اشتراک را اشتراک لفظی می‌دانند، چنین استدلال می‌کنند که وجود رابط فقط ذهنی است، ولی وجود محمولی هم ذهنی است و هم خارجی؛ یعنی وجود رابط معقول ثانی منطقی است و وجود محمولی معقول ثانی فلسفی؛ بنابراین اشتراک این دو لفظی است.

۱۴. بیان استاد جوادی آملی پیرامون عبارات ملاصدرا

آیت‌الله جوادی آملی پیرامون مطالب این بحث ملاصدرا (وجود رابط) می‌فرماید: «عبارت این فصل همان‌گونه که استاد علامه طباطبایی در تعلیقه خود بر اسفار بیان می‌دارند، مندمج و مجمل است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۲۱/۱).

همان‌طور که در عبارت آیت‌الله جوادی دیدیم، نمی‌توان به سخنان ملاصدرا در این بحث اکتفا نمود؛ زیرا در عبارات ایشان در سایر مباحث دو نقض بر ادعای آیت‌الله مصباح پیدا می‌کنیم:

- عبارت ملاصدرا در بحث اشتراک معنوی: ملاصدرا برای اثبات اشتراک معنوی مفهوم وجود، سه برهان اقامه می‌کند و در برهان سوم از طریق وحدت مفهومی وجود رابط؛ یعنی اینکه وجود رابط در همه قضایا به یک معناست، اشتراک معنوی مفهوم وجود را اثبات می‌کند. عبارت ملاصدرا در اسفار از این قرار است: «و ایضاً الرابطة فی القضايا و الاحکام ضرب من الوجود و هی فی جمیع الاحکام مع اختلافها فی الموضوعات و المحمولات معنی واحد»^۱.

آیت‌الله جوادی در تقریر این برهان ملاصدرا، ابتدا وجود را به هست و است یا همان رابط و محمولی تقسیم می‌کند و همچنین در ادامه می‌فرماید که چون وجود رابط در قضایا علی‌رغم اختلاف موضوعات و محمولات آن به یک معنا به کار می‌رود، پس مسانخ آن، یعنی وجود محمولی، هم از همان معنا و مفهوم واحد برخوردار است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۲۴/۱).

۱. رابطه در قضایا و احکام گونه‌ای از انواع وجود است و آن در جمیع احکام یک معنی دارد با اینکه در موضوعات و محمولات مختلف است.



وجود رابط و مستقل از دیدگاه علامه طباطبایی، استاد مصباح یزدی و استاد جوادی آملی

ایشان در اشاره چهارم فصل دوم رَحِیقِ مَخْتوم می‌فرماید: این برهان اختصاص به ملاصدرا دارد و برای فهم سایر کلمات ملاصدرا می‌توان به آن استشهاد کرد؛ چون در فصل نهم از این بحث (اشتراک معنوی رابط و محمولی) دو مسئله را در ابتدای بحث مطرح می‌کند: اختلاف نوعی رابط و مستقل؛ بودن یا نبودن رابط در هلیات بسیطه (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۶۷/۱).

به نظر آیت‌الله جوادی آنچه ملاصدرا در مسئله اول پیرامون اختلاف نوعی وجود رابط و مستقل قائل است با مبنای او در بحث اشتراک معنوی و تشکیکی وجود سازگار نیست و به همین دلیل، این برهان سوم مورد نقد بزرگانی چون علامه طباطبایی و ملا هادی سبزواری قرار گرفته است. آیت‌الله جوادی به همین دلیل به توجیه عبارت صدرا می‌پردازد: مراد از اختلاف نوعی، اختلاف تباینی این دو قسم نیست، بلکه شدت تفاوت در رتبه این دو نوع وجود است.

- نقض دوم برهانی است که در بحث اصالة الوجود برای اثبات اصالة الوجود اقامه شده است. ملاصدرا در مشاعر و ملا هادی سبزواری در منظومه این برهان را ذکر کرده‌اند و آیت‌الله جوادی نیز در رَحِیقِ مَخْتوم به آن اشاره کرده (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۲۲/۱) و داخل بودن وجود رابط در بحث اصالة الوجود را از آن برداشت نموده است. همچنین علامه در بدائنة این برهان را دومین برهان بر اثبات اصالة الوجود ذکر کرده است (طباطبایی، ۱۴۲۰ق: ۱۵).

توضیح اجمالی این برهان این است که ماهیات مثال کثرت و اختلاف‌اند؛ لذا اتحاد دو ماهیت در خارج نمی‌تواند با خود ماهیت صورت بگیرد، پس باید با چیزی غیر از ماهیت، اتحاد بین آن‌ها برقرار شود که همان وجود رابط است؛ بنابراین وجود رابط خارجی است و اگر اعتباری باشد، اساساً حملی اتفاق نمی‌افتد؛ در حالی که ما درمی‌یابیم که حمل و اتحاد دو واقعیت و ماهیت صورت می‌گیرد؛ پس وجود رابط خارجی است.

از بیان دو نقض فوق به دست می‌آید که صدرا نیز به اشتراک معنوی بین وجود رابط و محمولی قائل است؛ چون در برهان سوم خود بر اشتراک معنوی، تصریح می‌کند که وجود رابط و مستقل هر دو از یک سنخ‌اند و اختلاف نوعی ندارند و زمانی می‌توانیم برای اصالت وجود رابط در قضایا استفاده کنیم که از قبل به اشتراک معنوی وجود رابط و محمولی قائل باشیم و آن را مفروض گرفته باشیم. با این اوصاف، عبارات صدرا گویای اشتراک معنوی وجود رابط و محمولی است و ادعای آیت‌الله مصباح رد می‌شود.

۱۵. نتیجه

علامه طباطبایی معتقد است در هر ظرفی که بین دو واقعیت رابطه‌ای برقرار شود، واقعیت سومی به نام وجود رابط هست. نظر آیت‌الله مصباح در مورد وجود خلط در دیدگاه علامه درست نیست، و اشتراک مفهوم وجود در وجود رابط و محمولی، از نوع اشتراک معنوی است.

منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، رحيق مختوم (شرح حکمت متعالیه)، قم: مرکز نشر اسرا.
۲. خواجوی، محمد (۱۳۷۸)، ترجمه اسفار اربعه، تهران: مولى.
۳. صدرالدين شيرازى، محمد (۱۴۴۰ق)، الحكمة المتعاليه فى الاسفار العقلية الاربعه، قم: طليعه نور.
۴. طباطبایى، سيد محمد حسين (۱۴۰۴ق)، نهاية الحكمة، قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعة المدرسين.
۵. _____ (۱۴۲۰ق)، بدائة الحكمة، قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعة المدرسين.
۶. مصباح يزدى، محمد تقى (۱۳۹۳)، تعليقه على نهاية الحكمة، قم: مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينىؑ.
۷. _____ (۱۳۹۴ الف)، آموزش فلسفه، قم: مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينىؑ.
۸. _____ (۱۳۹۴ ب)، شرح نهاية الحكمة، قم: مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينىؑ.
۹. مطهرى، مرتضى (۱۳۹۳)، شرح منظومه، قم: صدرا.
۱۰. _____ (۱۳۹۷)، شرح مبسوط منظومه، قم: صدرا.